یکشنبه ۸ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۶۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

میزان بارش برف امسال در شمال غرب کشور به حدی است که درصورت مدیریت درست می‌تواند دریاچه ارومیه را احیا کند

دریاچه روسفید شد

عکس: حامد عسگرپور

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

تقریبا دو هفته‌ای می‌شود که نزولات آسمانی در استان‌های شمالی کشور تداوم داشته و برخی مناطق به میزان قابل توجهی برف نیز باریده است. از جمله مناطقی که بارش‌ها در آن امیدوارکننده بود، حوضه آبریز دریاچه ارومیه است.

براساس بررسی‌های کارشناسی صورت‌گرفته در رابطه با وضعیت امروز دریاچه ارومیه، تغییرات اقلیمی و استمرار خشکسالی‌ها، توسعه نامتوازن بخش کشاورزی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه و مصرف بیش از حد مجاز منابع آب تجدیدپذیر حوضه آبریز دریاچه ارومیه به عنوان سه عامل اصلی در وضعیت کنونی دریاچه مطرح شده است. در بحث تغییرات اقلیمی و استمرار خشکسالی‌ها بررسی آماری نشان می‌دهد میزان بارندگی‌ها در دو دهه اخیر نسبت به دوره درازمدت ۵۰ ساله بیش از ۱۸ درصد کاهش یافته که این کاهش در کنار تغییر الگوهای بارش (وقوع بارش‌های کمتر از ۵ میلیمتر با رواناب ناچیز) موجب کاهش شدید رواناب تولیدی در سطح حوضه شده است. همچنین درجه حرارت در سطح حوضه آبریز در دو دهه اخیر نسبت به دوره درازمدت ۵۰ ساله در حدود یک الی دو درجه سانتیگراد افزایش یافته که مطابق با برخی مطالعات این افزایش درجه حرارت منجر به افزایش میزان تبخیر و مصرف آب در حوضه آبریز در حدود ۵۰۰ میلیون متر مکعب می‌شود. یکی از مهم‌ترین موضوعات این می‌تواند باشد که ذخایر برفی نیز نسبت به میانگین ۱۱ ساله حدود ۸۵ درصدی کاهش داشت که این امر موجب شده رواناب‌های تولیدی نسبت به شرایط نرمال به میزان ۶۰ درصد کاهش داشته باشد.

توسعه نامتوازن بخش کشاورزی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه در دو محور افزایش مساحت اراضی کشاورزی و تغییر الگوی کشت از کم‌مصرف به پرمصرف موجب افزایش مصرف آب در بخش کشاورزی شده است. دبیر کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه در گفت‌وگویی که اخیرا با ایرنا داشته، گفته است که در این بخش با تغییر کاربری اراضی زراعی آبی به باغی، تغییر کاربری اراضی دیم به اراضی آبی و تغییر کاربری اراضی ملی به اراضی آبی کشاورزی مواجه هستیم. براساس آمارهای موجود، از زمان شروع کاهش تراز آب دریاچه ارومیه (سال ۱۳۷۷) تاکنون مساحت اراضی کشاورزی در حدود ۱۳۹,۱۸۶ هکتار افزایش پیدا کرده است.

همچنین ۹۰ درصد مصارف آب حوضه در بخش کشاورزی مصرف می‌شود که ۵۷ درصد از این مصرف توسط سه محصول یونجه با ۳۲ درصد، سیب با ۱۷ درصد و چغندرقند با ۷.۸ درصد است، یعنی سطح زیر کشت یونجه حدود ۷۰۰۰۰ هکتار، سطح باغات سیب حدود ۵۸۰۰۰ هکتار که ۵۰ درصد سطح باغات سیب عمر بیش از ۳۰ سال دارند و سطح کشت چغندرقند حدود ۲۵۰۰۰ هکتار را به خود اختصاص داده است.

از ابتدای دولت سیزدهم کارگروه ملی دریاچه ارومیه به ریاست معاون اول رئیس جمهور شکل گرفت. همان‌طور که در رسانه‌های رسمی دولت اعلام کرده‌اند؛ اسفند ۱۴۰۱ فاز اول پروژه انتقال آب از سد «کانی سیب» به دریاچه ارومیه به بهره‌برداری رسید. همچنین آنگونه که ایرنا می‌گوید دو پروژه نیمه‌کاره انتقال پساب‌های تصفیه‌شده فاضلاب‌های بهداشتی شهرهای حوضه آبریز دریاچه ارومیه به خصوص دو شهر بزرگ تبریز و ارومیه و طرح انتقال آب مدول سوم تصفیه‌خانه شهر ارومیه و خط انتقال پساب بهداشتی به طول ۱۱ کیلومتر در تیرماه سال ۱۴۰۲ به بهره‌برداری رسید.

بارش‌ها در حوضه آبریز ارومیه نسبتا خوب است

براساس آماری که سازمان هواشناسی در اختیار «فرهیختگان» قرار داده است؛ میزان بارش از ابتدای سال آبی در حوضه دریاچه ارومیه تا ۶ بهمن‌ماه سال جاری در حوضه دریاچه ارومیه ۱۰۱ میلیمتر بارش وجود داشته است. این درحالی است که در مدت زمان طولانی مدت باید ۱۱۷ میلیمتر بارش داشته باشد، یعنی تقریبا ۱۶ میلیمتر با میانگین طولانی مدت، فاصله دارد اما در مقایسه با سال گذشته وضعیت بهتر است، یعنی حدود ۳۷ میلیمتر بیشتر از سال گذشته در حوضه دریاچه ارومیه بارش داشته‌ایم. اکنون باید دید که در کنار بارش‌های اخیر و تلاش‌های ادعا شده توسط دولت برای احیای دریاچه ارومیه؛ چه روندی باید پیش گرفته شود تا درنهایت دریاچه ارومیه احیا شود؟ محمد درویش معتقد است که حقابه معین‌شده برای دریاچه ارومیه سالانه سه و چهار دهم میلیارد مترمکعب است. درویش در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «سالانه باید ورودی آب به دریاچه ارومیه، سه و چهار دهم میلیارد متر مکعب باشد. آب قابل استحصال حوضه آبریز دریاچه ارومیه حدود هفت میلیارد متر مکعب است و در واقع ما باید ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون متر مکعب آب شرب کل مردم حوضه آبخیز دریاچه ارومیه در سه استان آذربایجان غربی، شرقی و کردستان را تامین کنیم. اگر که این میزان آب شرب را در ابتدا از آن هفت میلیارد اختصاص دهیم، شش و چهار دهم میلیارد متر مکعب آب باقی می‌ماند. از این شش و چهار دهم میلیارد مترمکعب، باید سه و چهار دهم از آن را به حقابه اختصاص دهیم. آن وقت سه میلیارد مترمکعب دیگر باقی می‌ماند که این سه میلیارد متر مکعب باید در بخش کشاورزی و صنعت مورد استفاده قرار بگیرد. اگر که چنین اتفاقی در تقسیم آب بیفتد، دریاچه ارومیه به‌راحتی و ظرف پنج سال آینده کاملا احیا خواهد شد.» درویش ادامه داد: «آن وقت نیاز آبی اقلام زراعی حوضه آبخیز دریاچه ارومیه حتی کمتر می‌شود. وضعیت بهتر خواهد شد. پتانسیل گردشگری در حوضه آبخیز دریاچه ارومیه شکل خواهد گرفت. درآمد مردم در حوزه تقویت گردشگری، افزایش پیدا می‌کند. بنابراین اگر دولت مقداری فشار تحمل کند؛ هدفمندی یارانه‌هایی که گفته می‌شود، واقعا اعمال کند و تمام چاه‌ها را برای دو سال ببندد و خسارت‌هایش را مستقیم به صاحبان چاه‌ها بپردازد، بعد او پس از احیای دریاچه می‌تواند از محل درآمدها و سرمایه‌گذاری، این هزینه را جبران کند. اما اگر ما به هر دلیل و بهانه‌ای نخواهیم آن سه و چهار دهم میلیارد مکعب آب را در اختیار دریاچه قرار دهیم، یعنی حقابه دریاچه پس از شرب و قبل از کشاورزی و صنعت اختصاص پیدا نکند؛ هرگز نمی‌توانیم دریاچه را احیا کنیم و با این روش‌های فرسایشی هم نمی‌توانیم مشکلات را حل کنیم.»

باید صادرات آب مجازی متوقف شود

این فعال محیط زیستی در ادامه گفت‌وگو تصریح کرد: «واقعیت ماجرا این است که اکنون بخش کشاورزی حوضه آبریز دریاچه ارومیه؛ شش و هشت دهم میلیارد متر مکعب آب مصرف می‌کند، یعنی تقریبا به اندازه کل آب قابل اختصاص حوضه آب برای کشاورزی مصرف می‌شود. در انتها هم هر سال بیش از یک میلیون سیب روی دست کشاورز باقی می‌ماند. در آخر نمی‌دانند با آن چه کنند و هدر می‌رود. باید دست‌کم برای پنج سال، هر نوع صادرات آب مجازی یعنی صادرات بخش کشاورزی متوقف شود و فقط در حد نیازهای اهالی ساکن داخل حوضه آبریز دریاچه ارومیه اجازه کشت و کار بدهیم. سپس به سراغ معرفی منابع درآمدی جایگزین مردمی برویم که باید یک دهه کشاورزی و دامداری را کنار بگذارند و اصولا اقتصاد آب محور به طور کامل کنار گذاشته شود، یعنی دولت باید دولت برای اتصال انرژی‌های خورشیدی و بادی کمک کند تا اهالی از درآمد آن بهره‌مند شوند. به همین ترتیب زیرساخت‌های توسعه گردشگری اعم از تاریخی، فرهنگی، تفریحی و... که بستر بسیار مناسبی در حوضه آبخیز دریاچه دارد، تقویت شود. مبادلات تجاری و بازرگانی و مناطق آزاد تجاری با ملموس بودن سود این مناطق این حوزه شکل بگیرد. مثلا در کل این حوضه دریاچه ارومیه مردم بتوانند خودروهای خارجی بودن هزینه‌ها گمرکی داشته باشند. اینگونه باید انگیزه برای مردم ایجاد کنیم تا نیاز آبی در بخش کشاورزی به سه میلیارد متر مکعب کاهش پیدا کند. اگر این اتفاق بیفتد، دریاچه احیا می‌شود.»

هیچ کار مثبتی برای دریاچه ارومیه انجام نمی‌شود

اما اکنون کجای راه احیای دریاچه ارومیه هستیم؟ درویش در پاسخ به این سوال «فرهیختگان» گفت: «معتقدم که مطلقا ما هیچ کار مثبتی انجام نداده‌ایم. بلکه مشکلات را هم بیشتر کردیم. به هر حال ستاد احیای دریاچه ارومیه هشت سال فعالیت کرده است. دو سال هم در دولت سیزدهم فعال بوده است. پارسال طرح انتقال آب زاب به دریاچه ارومیه را افتتاح کردند. قرار بود سالانه ۳۰۰ میلیون متر مکعب آب وارد دریاچه شود و این رقم در پایان سال به تدریج به ۶۰۰ میلیون متر مکعب افزایش پیدا کند. نه تنها آن ۶۰۰ میلیون اختصاص داده نشد، بلکه آن ۳۰۰ میلیونی که رئیس جمهور افتتاح کرد را هم به دریاچه ندادند، یعنی اگر آن ۶۰۰ میلیونی که دوستان ادعا کرده بودند، به آن هفت میلیارد اولیه که گفته شد اضافه کنیم آن وقت آب قابل استحصال به هفت و شش دهم میلیارد متر مکعب تبدیل می‌شود. آن موقع در زمانی که خشکسالی است و بارندگی کم و زیاد می‌شود ما می‌توانیم روی آن هفت میلیارد به طور ثابت حساب کنیم اما همین کار هم انجام نشد. قرار بود تمام پساب‌ها و فاضلاب‌های شهرهای منتهی به حوضه آبخیز دریاچه ارومیه، تصفیه شود و آب تصفیه شده وارد دریاچه شود، حتی این کار هم به صورت کامل انجام نشد.» درویش همچنین در رابطه با کارهای وعده داده‌شده از سوی دولت ادامه داد: «قرار بود که سیستم به کاشت عمل شود و اراضی که کشت چغندر انجام می‌دهند، کاهش پیدا کنند اما ۲۴ هزار هکتار اراضی تحت کشت چغندر افزایش پیدا کرد، حتی یک کارخانه قند جدید در حوضه آبخیز دریاچه ارومیه هم احداث کردند و همان کارخانه فشلی که در خراسان، استانداردهای لازم را نداشت را در حوضه آبخیز دریاچه ارومیه مستقر کردند. احداث این کارخانه باعث تقویت فشار و کشت چغندر خواهد شد.» حالا باید دید با این میزان بارش نسبتا مطلوب در حوضه آبریز ارومیه بالاخره مدیریت آب برای سیراب کردن دریاچه ارومیه اتفاق می‌افتد؟

وزرای خارجه دوره‌های ادوار پس از انقلاب میهمان دکتر ولایتی بودند

دورهمی دیپلماتیک

فرهیختگان

وقتی اختلافات دولت‌های مختلف در حوزه سیاست خارجی را در ذهن مرور می‌کنیم این موضوع برایمان بیشتر جالب می‌شود که وزرای خارجه ادوار مختلف هرچند وقت یک‌بار دورهم جمع شده و در مورد مسائل مختلف به گفت‌وگو می‌نشینند؛ سنت حسنه‌ای که در دولت سیزدهم آغاز شده و آخرین جلسه آن نیز روز جمعه در دفتر علی‌اکبر ولایتی برگزار شد. ظریف، صالحی، خرازی، امیرعبداللهیان و متکی برای عیادت از ولایتی به دیدار او رفته و قابی جالب توجه را از خود به یادگار گذاشتند. دیدار وزرای خارجه دولت‌های مختلف نشان می‌دهد که علی‌رغم داشتن دیدگاه‌های سیاسی مختلف همچنان می‌توان برای حفظ منافع ملی ضمن حفظ اصول به گفت‌وگو و تبادل نظر پرداخت. این دیدارها همچنین برای انتقال تجربه بین بالاترین مقام‌های مسئول در حوزه سیاست خارجی بسیار موثر است؛ امری که جای آن در ساحت سیاست‌ورزی کشور بسیار خالی است و غالب مسئولان پس از تصدی مسئولیت به سراغ اختراع چرخ از ابتدا می‌روند. برای بررسی اثرات این دیدارها در ایجاد ثبات در سیاست خارجی کشور به سراغ عبدالرضا فرجی‌راد، دیپلمات اسبق کشورمان رفته‌ایم. او که زمانی سفارتخانه ایران در نروژ را مدیریت می‌کرد معتقد است این جلسات برای جلوگیری از اظهارنظرهای متناقض مقامات مختلف در حوزه سیاست خارجی ضروری بوده اما کافی نیست و باید ضوابطی برای اظهارنظر مقامات مسئول در حوزه سیاست خارجی تدوین شود. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

از چه موضوعاتی بحث شد؟

فرجی‌راد در مورد محتوای جلسات وزرای خارجه ادوار ایران توضیح می‌دهد: «وقتی که شش وزیر خارجه ادوار مختلف دورهم می‌نشینند بحث‌های سیاسی هم پیش می‌آید، به ویژه که در منطقه ما در سایه جنگ غزه دارد تحولاتی هم رخ می‌دهد. مسائلی همچون دادگاه لاهه و سفر به سازمان ملل و بحث‌های آنجا هم می‌تواند از موضوعاتی باشد که وزرای خارجه در باره آن تبادل نظر کرده‌اند و وزیرخارجه فعلی هم حتما جدیدترین اطلاعاتی که دارد را در اختیارشان گذاشته است.»

شرایط منطقه سیاست خارجه را امنیتی‌تر از گذشته کرده است

فرجی‌راد دلیل پررنگ شدن نقشه شورای عالی امنیت ملی در حوزه سیاست خارجی را بحران‌های منطقه‌ای عنوان کرده و در این‌باره توضیح می‌دهد: «در دو سه سال اخیر با توجه به تحولات نظامی که در منطقه می‌گذرد نقش شورای امنیت ملی بیشتر از گذشته هم شده است. با سقوط دولت اشرف غنی و روی کار آمدن طالبان مساله افغانستان یک مساله نظامی شد. در قفقاز در دو سال گذشته اتفاقات بزرگی رخ داد و مساله جنگ و نبرد نظامی بر سر تاسیس دالان زنگه‌زور به‌وجود آمد. البته دیپلماسی هم فعال بود اما بخش نظامی هم فعال شد و ادوات نظامی به مرز منتقل شد. به کردستان عراق هم چندین مرتبه موشک شلیک شد؛ بر سر همین مساله ناامنی در مرز کردستان عراق توافق امنیتی با دولت عراق امضا شد. درگیری‌های عربستان و حوثی‌ها و ناامنی‌ها در مرز پاکستان دیگر مواردی بود که باعث شد بخش‌های امنیتی ما بیشتر فعال شوند. همه اینها در دو سال اخیر نقش نظامی که به میدان مشهور شده است را برجسته کرده است.»

این جلسات به هماهنگی در اظهارنظر مسئولان کمک می‌کند

یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی ایران این است که مقامات واجد مسئولیت‌های مهم بعضا مواضعی متناقض با یکدیگر را در حوزه سیاست خارجی اتخاذ می‌کنند. این تناقض در بیان نظرات باعث می‌شود که اولا کشورهای دیگر ایران را از نظر سیاست خارجی بی‌ثبات ارزیابی کرده و برای گسترش روابط سیاسی-اقتصادی بی‌رغبت شوند و ثانیا دولت‌های معاند برای اختلاف‌افکنی بین مسئولان انگیزه پیدا کنند. فرجی‌راد در مورد اثر چنین جلساتی بر جلوگیری از تناقضات گفتاری مقامات معتقد است: «به نظر من این خوب است اما باید بدانیم که در کشور ما تصمیمات حوزه سیاست خارجی بیشتر در شورای عالی امنیت ملی گرفته می‌شود. آقای امیرعبداللهیان هم می‌تواند نظراتی که در این جلسه حول موضوعاتی همچون غزه، عراق و پاکستان مطرح شده را به اعضای شورای عالی امنیت ملی منتقل کند. ضمن اینکه الان هم شرایط کشور به لحاظ سیاسی شرایط خاصی است، چراکه در آستانه انتخابات هستیم. به نظر من خود شورای عالی امنیت ملی باید با بخشنامه‌هایی برخی افرادی که شخصیت سیاسی هستند و نظراتی را بیان می‌کنند را نسبت به موضوعات خاص آگاه کند و از آنها بخواهد که بدون هماهنگی اظهاراتی را مطرح نکنند که در خارج از کشور مورد سوءاستفاده قرار بگیرد. در نبود چنین مواردی ما می‌بینیم که بعضا نظرات متفاوتی بیان می‌شود. وزارت خارجه مجری سیاست‌های شورای عالی امنیت ملی بوده و خودش تصمیم‌گیر نیست. البته می‌تواند نظرات خودش را بدهد.

جلسات وزرای خارجه ادوار فرصت خوبی برای انتقال تجربه است

در کشورمان کمتر به بحث انتقال تجربه توجه می‌شود. با عوض شدن مسئولان فرد جدید هر بار از صفر شروع به کسب تجربه و یادگیری می‌کند. سفیر اسبق ایران در نروژ در مورد اینکه این قبیل جلسات تا چه حد در بهبود این وضعیت می‌تواند موثر عمل کند توضیح می‌دهد: «وزارت خارجه هم البته چیزی که از دستش برمی‌آید را دارد انجام می‌دهد. به نظر من همین که در اینگونه جلسات یک تبادل نظری می‌شود باعث می‌شود از تجربیات نیروهای باسابقه وزارت خارجه که اکنون بازنشسته شده‌اند بیشتر استفاده شود. در کشور ما وضعیت انتقال تجربه وحشتناک است. کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که اینگونه عمل می‌کند. یکی از دلایل اصلی مشکلات اقتصادی‌مان هم همین است. با اینکه در کشور ما احزاب در انتقال قدرت اثری ندارند و عدم انتقال تجربه ریشه سیاسی ندارد اما دولتمردان که عوض می‌شوند تجربه‌ای منتقل نمی‌شود. این موضوع به ویژه در بخش‌های اقتصادی حس می‌شود و در وزارت خارجه کمتر است، مگر اینکه افراد با رسیدن به بازنشستگی از صحنه دور شوند؛ چراکه افراد شاغل در وزارت خارجه با تغییر دولت هم در این وزارتخانه مشغول به کار می‌مانند اما در دستگاه‌های دولتی دیگر به ویژه در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی حتما باید یک مشاوری که تجربه کار موفقی دارد به کار گرفته شود. حتی وزیر و معاونان وزیر سابق باید به عنوان مشاور به کار گرفته شده و جلسات هفتگی با آنها گرفته شود. مثلا وقتی بحث در مورد حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی مطرح بود برخی افراد گفتند که ما قبلا مشورت‌هایی دادیم و کسی گوش نداد. مثلا در رابطه با دریاچه ارومیه هم اشکالی نداشت از افرادی که در گذشته مسئولیت داشتند مشورت گرفته شود. حتی بعضی مسائل سیاسی هم ریشه اقتصادی دارند. خیلی از تجربه افراد استفاده نمی‌شود و افراد کم تجربه هم وقتی وارد ساختار می‌شوند بعضا نزدیکان خودشان را به کار می‌گمارند. اگر مشورت‌ها استفاده شود بدون اینکه نگرانی از دخالت در سیاست‌های کلان به‌وجود بیاید چالش‌های مرتبط با آب، گاز، صادرات نفت و... بهتر حل می‌شود. به نظر می‌رسد ما در این زمینه موفق نبوده‌ایم و ریشه بسیاری از مشکلات کشور هم در همین مساله عدم توجه است.

باید با ابلاغ بخشنامه‌هایی مانع از اظهارات نسنجیده شد

فرجی‌راد در ادامه با ذکر مثال‌هایی به این موضوع می‌پردازد که در کشورهای دیگر چگونه فضا را مدیریت کرده و مانع از بروز اظهارات متناقض از سوی مقامات در حوزه سیاست خارجی می‌شوند. او در این باره می‌گوید: «در آمریکا سیاست خارجی توسط دو نهاد تعیین می‌شود. یک محور کاخ سفید است، یک محور هم وزارت خارجه است. این دو محور با برگزاری جلسات هیات دولت هماهنگ می‌شوند و دیگر شاهد تفرقه در بیان نیستیم اما در بخش‌های سیاسی دیگر در آمریکا این تناقض را می‌بینیم. این بخش‌ها البته در دیپلماسی نقش ندارند. در اینجا اما مقام‌های مختلف در مورد افغانستان و مهاجران افغانستانی نظر می‌دهند. اینها می‌تواند تاثیرات منفی در داخل داشته باشد. لذا من فکر می‌کنم باید جلسه‌ای تشکیل شود و بخشنامه‌ای ابلاغ شود به افرادی که پستی دارند و از آنها خواسته شود در مورد مسائل مربوط به سیاست خارجی با احتیاط بیشتری صحبت کنند و بدون هماهنگی در مورد مباحث حساس اظهارنظر نکنند. در این صورت ما می‌توانیم این مساله را کنترل بکنیم. در کشورهای عربی هم به این موضوع توجه می‌شود. هیچ وقت نشنیدیم یک مقام مصری مخالف سیاست‌های کشورش صحبت کند. مثلا در مورد مساله غزه که اهمیت زیادی برای مصر داشت هیچ وقت در خبرها ندیدیم که یک مقام مصری نظری مخالف با سیاست مورد اتخاذ توسط دولت مصر بدهد. من معتقدم که مصری‌ها یک جاهایی چشمان خودشان را بر نقل و انتقالاتی که از کانال رفح صورت می‌گرفت می‌بستند. اگر قرار باشد یک مقامی در این باره اظهارنظر متناقضی بکند طبیعتا یک بحران سیاسی آنجا ایجاد می‌شود. البته معتقدم اسرائیلی‌ها نیز این مساله را می‌دانند اما چون ارتباط با مصر برایشان مهم است در برابر مصر واکنشی نشان نمی‌دهند. اردن و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس هم دیگر مثال برای این امر است. در پاکستان هم شاید حزب مخالف اظهاراتی بکند اما در راس دولتمردان و نظامیان کاملا هماهنگند. حتی در عراق هم با وجود اینکه حاکمیت متشکل از اقوام و مذاهب مختلف کرد، شیعه و اهل سنت است می‌بینیم که دارند به یک انسجامی می‌رسند. لذا معتقدم که ما هم باید رودربایسی را کنار بگذاریم و ضمن احترام به همه گزینه تذکرات کتبی روی میز باشد تا مقامات بدون هماهنگی با وزارت خارجه یا شورای عالی امنیت ملی در مورد مسائل حساس اظهارنظر نکنند.